

به راستی که توسعه عرصه‌ای در جستجوی خویش است. این گستره وسیع مفهومی که روندهایی چون «رشد اقتصادی»، «نوگرایی»، «صنعتی شدن» و... را در بر می‌گیرد، از دیرباز قلمرو دلالت بر دگرگونی‌ها و کنش‌های اقتصادی و سیاسی بوده و تاریخی طولانی را پشت سر گذاشته است. توسعه، چه در اوان حیات نظریه‌ای خود، که بسا عنوان «علم‌العمران» از سوی «ابن خلدون» مطرح شد و چه اینک که در محافل آکادمیک «توسعه‌گرایان» بر میز تشریح قرار دارد، همواره جوانب تازه‌تری را در خود پروراند است. اما تردیدی نیست که اینک الگوهای کلاسیک توسعه جای خود را به رگه عوامل فرهنگی و انسانی داده‌اند. پیش از این، همه تأکید بر عوامل سیاسی-اقتصادی بود، اما اکنون سازه‌های انسانی- فرهنگی نیز جایگاه خود را یافته‌اند. قبلاً جامعه به درون چهارچوبهای تک سونگر توسعه رانده می‌شد و اکنون این توسعه است که باید خود را در خدمت ویژگیهای بومی هر جامعه قرار دهد.

«شاخص توسعه انسانی» از نخستین گام‌هایی به شمار می‌آید که «انسان» را- به مفهوم واقعی آن- در کانون توجه قرار داده است. شاخص سه‌سازه‌ای توسعه انسانی معیار تازه‌ای برای سنجش توسعه‌یافتگی ملت‌ها است. شاخص توسعه انسانی بر آن است تا به این انگاره که همه زندگی و دگرگونی‌های آن را از دریچه کوچک «تولید ناخالص ملی» می‌بینند، درس‌های تازه‌ای بیاموزد.

نوشتار ذیل که به «توسعه انسانی» می‌پردازد، نگاهی است به پژوهش‌های برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) به سرپرستی «محبوب‌الحق» (اقتصاددان پاکستانی) که با عنوان «گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۰» ارائه شده است.

تدبیر

سال‌های مستماری است که اقتصاددانان، سیاستمداران و برنامه‌ریزان توسعه اقتصادی افزایش یا کاهش سالیانه درآمد سرانه را بعنوان شاخصی برای پیشرفت یا عقب‌ماندگی کشورها در نظر می‌گیرند. در نتیجه بخش عمده‌ای از فعالیت‌های توسعه ملی با نادیده گرفتن بعد انسانی توسعه بر روی رشد اقتصادی متمرکز می‌شود. از همین‌رو، یافتن راه جدیدی برای اندازه‌گیری توسعه- یا توسعه انسانی- و به تبع آن ابتکار راهبرد جدیدی برای تأمین نیازهای انسانی در زمان حاضر بسیار ضروری بنظر می‌رسد.

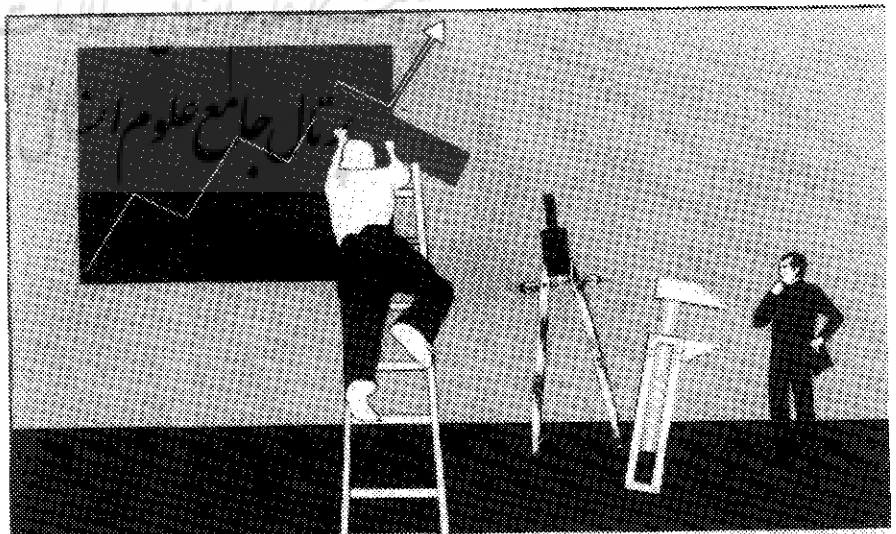
هم‌اینک توسط گروهی از دانش‌پژوهان برجسته، روش جدیدی برای اندازه‌گیری توسعه انسانی ابداع شده است که شاخص توسعه انسانی (Human Development Index (HDI نامگذاری شده است. در تهیه گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۰ برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) از این شاخص استفاده شده است. این گزارش که قرار است هر ساله منتشر شود، وضعیت پیشرفت مردم را در کشورهای مختلف از نظر کمی نشان داده و کشورها را نیز از جهت برآورد نیازهای انسانی طبقه‌بندی می‌کند. افزون بر آن، این گزارش از یکسو روشن می‌سازد که چرا برخی کشورها از چرخه پیشرفت عقب می‌مانند و از سوی دیگر گام‌های اساسی ترقی کشورها را نیز معرفی می‌کند. دستاورد این گزارش نگاهی است تازه و قطعی به اینکه در جهان امروز چگونه انسان‌ها در کشورهای غنی و فقیر بسوی بهروزی یا ناکامی قدم برمی‌دارند.

این گزارش نشان می‌دهد که حتی کشورهایی که تولید ناخالص ملی سرانه آنها پایین است، امکان آن را دارند که از نظر شاخص توسعه انسانی در رده بالا قرار گیرند، چرا که مردم این کشورها عمر طولانی داشته و اغلب با سوادند و قدرت خرید آن‌ها نیز در حدی است که می‌توانند از خط فقر پیشی گیرند. از سوی دیگر کشورهای نیز با تولید ناخالص ملی بالا یافت می‌شوند که از نظر شاخص توسعه انسانی در مرتبه پایین هستند چگونه تصمیم‌گیری رهبران دولت‌ها در تعیین اولویت‌ها و جهت دادن

توسعه انسانی

مهم‌ترین هدف توسعه

مترجم: مهدی عطاء‌الهی



منبع :

World Development/ May 1990 (UNDP)

تخصیص منابع مالی به امور گوناگون و افزون بر این‌ها درجه آزادی عمل افراد نسبت به تعیین سرنوشت خود زائیده این ناهمسازی‌ها است.

زاین در جدول شاخص توسعه انسانی بالاترین رتبه را داراست. آمار سال‌های اخیر نشان می‌دهد میانگین امیدزندگی (طول عمر) ۷۸ سال است و ۹۹ درصد بزرگسالان باسواد هستند و میانگین درآمد حقیقی که بر حسب قدرت خرید اندازه‌گیری شده است، برابر ۱۳/۱۳۵ دلار آمریکائی است. (این کشور از نظر درآمد در میان کشورهای پیشرفته

در مرتبه دهم قرار دارد. آمار امید زندگی و میزان درآمد مربوط به سال ۱۹۸۷ و تعداد با سوادان مربوط به سال ۱۹۸۵ است)

در آنسوی طیف، پایین‌ترین رقم شاخص از آن نیجر است، با امید زندگی ۴۵ سال، با سوادان ۱۴ درصد جمعیت و میانگین درآمد حقیقی ۴۵۲ دلار. در میان کشورهای فقیر، کاستاریکا بالاترین رقم شاخص توسعه انسانی را داراست. این کشور ارتش ثابت ندارد و با داشتن امید زندگی ۷۵ سال بخود می‌بالد. بزرگسالان با سواد ۹۳ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و میانگین درآمد حقیقی ۳۷۶۰ دلار است.

گزارش، طرح چندین پرسش کلیدی را هدف خود قرار داده است. آیا یک دولت

توجه بیشتر را صرفاً معطوف توسعه اقتصادی می‌کند، یا آنکه بهمان نسبت به

بهداشت و درمان و آموزش و پرورش هم توجه دارد؟ آیا بودجه‌ای که دولت

در اختیار دارد صرف تسلیحات می‌شود یا تربیت معلم؟ آیا

زنان صرفاً ستمکشان جامعه هستند یا آنکه از ثروت ملی سهمی دارند و عهده

دار مسئولیت نیز هستند؟ پاسخ به پرسش‌هایی از این

قبیل مطائب بسیاری را در مورد کشورهای مختلف افشا

می‌کند. در دهه ۱۹۷۰ درآمد سرانه کشور برزیل

سالانه بیش از ۶ درصد رشد داشته است. از همین رو در میان کشورهایی که درآمد متوسط

دارند، مکان بالاتری را اشغال کرده است. اما گزارش حکایت از آن دارد که توزیع درآمدها در

این کشور در شمار بدترین‌ها بوده است. نرخ مرگ و میر کودکان در این کشور دو برابر

کشور «سری لانکا» است، کشوری که درآمد سرانه آن یک پنجم درآمد سرانه کشور برزیل است.

هزینه‌های نظامی در بیست و پنج کشور رو به توسعه به مراتب بیش از هزینه‌هایی است که

صرف آموزش و پرورش و بهداشت و درمان می‌شود. در کشورهای رو به توسعه تعداد سربازان بیش از هشت برابر پزشکان است. از سوی دیگر در کشوری مانند کاستاریکا که مبارزه با

بیسوادی بویژه در مورد زنان را هدف قرار داده است. شمار زنان با سواد را که در سال ۱۹۶۰،

۱۷ درصد بوده به مرز ۶۵ درصد در سال ۱۹۸۰ رسانده است. سوادآموزی زنان در این کشور

به گاهش سریع نرخ مرگ و میر نوزادان و کودکان زیر پنج سال کمک شایانی کرده است.

گزارش که بصورت کتابی تجاری از سوی انتشارات دانشگاه اکسفورد منتشر شده است،

بی‌گمان بحث برانگیز خواهد بود. این کتاب نه تنها کشورهای را که فرصت‌های توسعه انسانی

را نادیده انگاشته‌اند، معرفی می‌کند، بلکه به دولت‌های قدرتمندی که به کشورهای دیگر

کمک اعطاء می‌کنند، نیز توصیه می‌کند که برای نزدیک شدن به موقعیت صلح بین‌المللی- بعنوان

کمک‌های توسعه‌ی هزینه‌های نظامی را کاهش دهند یا آنکه اعتبار بیشتری در مجرای آموزش

و پرورش و بهداشت عمومی جاری سازند. هزینه‌های تسلیحاتی کشورهای رو به توسعه

بخش شرم‌آوری از گزارش را تشکیل می‌دهد، زیرا این بخش افشاء می‌کند که هزینه‌های نظامی

سالیانه این کشورها معادل ۱۶۰ میلیون سال درآمد متوسط افراد این گونه کشورهاست.

هزینه‌های نظامی کشورهای رو به توسعه سه برابر هزینه مشابه در کشورهای پیشرفته

صنعتی است. گزارش نتیجه می‌گیرد که: «آشکار است که فقر کشورهای رو به توسعه به هیچ‌روی

رهبنندی در قبال غنی کردن تسلیحات اینگونه کشورها بشمار نمی‌آید.»

این گزارش در دو زمینه اصلی به مقوله توسعه یاری می‌رساند، نخست ابداع شاخص توسعه

انسانی است که سه مؤلفه دارد.

اول: امید زندگی- تهیه کنندگان گزارش این مؤلفه را نه تنها بدلیل ارزش علمی- خود آن

گزینش کرده‌اند، بلکه امید زندگی گویای خدمات بهداشتی و درمانی، سلامت زایمان

و توانایی انسان برای داشتن عمری آنچنان طولانی است که به هدف‌های خود نیز نایل شود.

دوم: سواد- که نه تنها به انسان در یافتن و نگهداری شغل یاری می‌کند، بلکه باعث می‌شود درک بیشتری نسبت به محیط اطراف و فرهنگ

جامعه داشته باشد.

سوم: قدرت خرید درآمد سرانه که با توجه به اختلاف در نرخ ارز، تعرفه گمرکی و بهای

کالاهای تجاری در کشورهای مختلف میزان آن از جهت محاسبه در کشورهای گوناگون تعدیل

شده است- این مؤلفه توانایی نسبی خرید کالاها و تأمین نیازهای اولیه را نشان می‌دهد.

افزون بر این‌ها، گزارش به دست‌اندرکاران درگیر برنامه توسعه سازمان ملل متحد، بهره‌بران

و تصمیم‌گیران کشورهای صنعتی و نیز کشورهای رو به توسعه و به سازمان‌های غیر دولتی و محافل

آکادمیک که هم مقوله توسعه را مطالعه می‌کنند و هم به شکل گوناگون

سیاست‌های توسعه یاری می‌رسانند، انتخاب سیاست‌های ویژه‌ای را توصیه می‌کند.

*** تصمیم‌گیری درست در باب توزیع منابع کمیاب یکی از راه‌حل‌های کلیدی**
*** برای افزایش سطح «توسعه انسانی» است.**
*** قابل ملاحظه‌ای در نرخ رشد جمعیت**

*** از جهت زندگی، افزایش جمعیت ضرورت دارد.**
*** منطقه دنیا بشمار می‌آید. پائین‌ترین و میر کودکان و پایین‌ترین میزان بی‌سوادی، شاخص این قاره است.**



توسعه انسانی بالا (سال ۱۹۸۷)

نام کشور	شاخص توسعه انسانی	رتبه تولید ناخالص سرانه
مالزی	۰/۸۰۰	۸۰
کلمبیا	۰/۸۰۱	۷۲
جامائیکا	۰/۸۲۴	۶۲
کویت	۰/۸۳۹	۱۲۲
ونزوئلا	۰/۸۶۱	۹۵
رومانی	۰/۸۶۳	۸۴
مکزیک	۰/۸۷۶	۸۱
کوبا	۰/۸۷۷	۶۶
پاناما	۰/۸۸۳	۸۸
تریداد و توباگو	۰/۸۸۵	۱۰۰
پرتغال	۰/۸۹۹	۹۴
سنگاپور	۰/۸۹۹	۱۱۰
کره جنوبی	۰/۹۰۳	۹۲
لهستان	۰/۹۱۰	۸۳
آرژانتین	۰/۹۱۰	۸۹
یوگسلاوی	۰/۹۱۳	۹۰
مجارستان	۰/۹۱۵	۸۷
اوراگوئه	۰/۹۱۶	۸۶
کاستاریکا	۰/۹۱۶	۷۷
بلغارستان	۰/۹۱۸	۹۹
شوروی	۰/۹۲۰	۱۰۱
چکسلواکی	۰/۹۲۱	۱۰۲
شیلی	۰/۹۲۱	۷۳
هنگ کنگ	۰/۹۲۶	۱۱۱
یونان	۰/۹۴۹	۹۸
آلمان شرقی	۰/۹۵۳	۱۱۵
آمریکا	۰/۹۶۱	۱۲۹
اتریش	۰/۹۶۱	۱۱۸
ایرلند	۰/۹۶۱	۱۰۶
اسپانیا	۰/۹۶۵	۱۰۵
بلژیک	۰/۹۶۶	۱۱۶
ایتالیا	۰/۹۶۶	۱۱۲
ژلاندنو	۰/۹۶۶	۱۰۹
آلمان غربی	۰/۹۶۷	۱۲۰
فنلاند	۰/۹۶۷	۱۲۱
انگلستان	۰/۹۷۰	۱۱۳
دانمارک	۰/۹۷۱	۱۲۳
فرانسه	۰/۹۷۴	۱۱۹
استرالیا	۰/۹۷۸	۱۱۴
نروژ	۰/۹۸۳	۱۲۸
کانادا	۰/۹۸۳	۱۲۴
هلند	۰/۹۸۴	۱۱۷
سوئیس	۰/۹۸۶	۱۳۰
سوئد	۰/۹۸۷	۱۲۵
ژاپن	۰/۹۹۶	۱۲۶

تصمیم‌گیری درست در باب توزیع منابع کمیاب یکی از راه‌حل‌های کلیدی و زمینه پیشرفت توسعه انسانی است. بعنوان مثال، تعیین اولویت میان ایجاد بیمارستان‌های درجه یک و یا گسترش مراقبت‌های بهداشتی و درمانی اولیه، انتخاب میان خدمات شهری یا خدمات روستایی، انتخاب میان کمک به گروه‌های قدرتمند اجتماع مانند صاحبان املاک و مستغلات، یا گروه‌های ضعیف اجتماع، آنان که سر پناهی ندارند و در فقر مطلق زندگی می‌کنند. این گونه تغییر ساختار اولویت‌های بودجه بی‌گمان نیازمند شهامت سیاسی قابل ملاحظه‌ای است و گزارش نیز در این زمینه هشدار می‌دهد.

این مطالعه، دستاوردها و نتایج خود را به دولت‌ها و تمام کسانی که به نوعی دست‌اندرکار مسائل توسعه هستند، بعنوان «رهنمود» ارائه می‌کند، از آن جمله:

* رفع محرومیت انسان، کاری دشوار و بی‌فرجام که همچنان چالش دهه ۹۰ نیز باقی خواهد ماند. بهر روی این درست است که در دهه گذشته کشورهای رو به توسعه در جهت توسعه انسانی پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌اند، چرا که امید زندگی از ۴۶ سال در سال ۱۹۶۰ به ۶۲ سال در سال ۱۹۸۷ رسیده است و در خلال همین دوره میزان مرگ و میر کودکان زیر پنج سال تقریباً به نصف نرخ پیشین کاهش یافته و شمار بزرگسالان با سواد نیز از ۴۳ درصد به ۶۰ درصد افزایش یافته است، اما هنوز هم بیش از یک میلیارد نفر در فقر مطلق هستند. ۸۰۰ میلیون نفر گرسنه هر روزه هستند و هر ساله ۱۴ میلیون کودک پیش از رسیدن به سن ۵ سالگی می‌میرند.

* در کشورهای رو به توسعه، متوسط نرخ پیشرفت توسعه انسانی، بسیاری از نابرابری‌ها را پنهان می‌کند، تا برابری میان مناطق شهری و روستایی، میان مردان و زنان، میان ثروتمندان و تهی‌دستان، میزان دسترسی شهرنشینان به خدمات بهداشتی و درمانی و آب آشامیدنی سالم دو برابر میزان دسترسی روستائیان است. گروه‌هایی که درآمد بالا دارند، اغلب با سود جستن از بسیاری منافع خدمات اجتماعی بر سایر گروه‌های اجتماعی پیشدستی می‌کنند.

* در سطوح نسبتاً متوسط درآمد نیز سطح قابل احترامی از توسعه انسانی امکان دارد، یا آنگونه که گزارش می‌گوید: «زندگی از ۱۱ هزار دلار شروع نمی‌شود. این رقم متوسط درآمد سرانه جهان صنعتی است» کشورهای شیلی، کاستاریکا، جامائیکا، سری لانکا، تانزانیا و تایلند بسی بهتر از کشورهای با درآمد زیاد و فزاینده در توسعه انسانی کوشیده‌اند و «نشان داده‌اند چگونه می‌توان منابع اقتصادی بیشتری را در جهت پیشرفت افراد جامعه سوق داد».

* اعانه‌های اجتماعی (سوپسیدها) کاملاً برای گروه‌های با درآمد پایین ضرورت دارد. «به سادگی می‌توان نشان داد که رشد اقتصادی به

ندرت به توده‌های تهیدست باز می‌گردد». پرداخت سوپسیدهای اجتماعی برای دولت‌ها هزینه زیادی ندارد ولی بر قراری آن نوعی ایمنی ایجاد می‌کند. (سوپسیدها عموماً کمتر از سده‌صد تولید ناخالص ملی است). زمانیکه اعانه‌های اجتماعی بدون جایگزین حذف شوند، ناآرامی سیاسی و اجتماعی در پی خواهند داشت، که هزینه فرونشانی ناآرامی بیش از پرداخت سوپسیدها خواهد بود. مراکش و چین در یک دوره رشد بالا این قضیه را تجربه کردند.

* در کشورهای رو به توسعه، چنانچه قرار است همکاری‌های علمی و فنی ظرفیت نیروی انسانی را افزایش دهد، ناگزیر باید این همکاری‌ها شکل جدیدی به خود گیرند. بودجه توسعه به جای آنکه صرف پرداخت حقوق و هزینه کارشناسان خارجی شود، بیشتر باید به آموزش نیروی انسانی و ایجاد موسساتی که می‌توانند در توسعه انسانی نقش داشته و به سوی خودبستگی نیز پیش می‌روند، تخصیص داده شود. گزارش اعلام می‌دارد که: «مقیاس موفقیت برنامه کمک‌های علمی و فنی باید براساس سرعت غیر قابل استفاده شدن آن اندازه‌گیری شود». افزون بر آن، برای آنکه مردم بیشتر به خود کمک کنند، می‌توان از سازمان‌های غیر دولتی بیشتر سود جست، زیرا سازمان‌های غیر دولتی عمدتاً کوچک، قابل انعطاف بوده و بسین هزینه و بازده آنها رابطه معقولی برقرار است.

* برای افزایش سطح توسعه انسانی، کاهش قابل ملاحظه‌ای در نرخ رشد جمعیت ضرورت دارد. انتظار می‌رود سهم کشورهای رو به توسعه در جمعیت جهان از ۷۵ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۸۴ درصد در سال ۲۰۲۵ برسد. برای تعدیل نرخ رشد جمعیت بویژه در افریقا و جنوب آسیا، به برنامه‌های پی گیر تنظیم خانواده، کاهش نرخ باروری و بهداشت مادران و نوزادان نیاز مبرمی احساس می‌شود. چنانچه دسترسی به کمک‌های بین‌المللی دچار کندی شده و اقسام تدریجی نیز در بازارهای فروش کشورهای صنعتی مشاهده گردد و به موازات اینها رشد جمعیت نیز همچنان ادامه یابد، مهاجرت‌های اجباری برای جستجوی فرصت‌های بهتر اقتصادی بی‌گمان بسیار شایع خواهد شد و این پدیده در دهه نود اندیشه هوشمندان‌های رامی‌طلبد.

* راهبردهای توسعه‌توانمند (Sustainable Development Strategies) بر حفاظت بیشتر از منابع طبیعی و محیط فیزیکی تاکید دارد. هر نوع بدهی - بدهی مالی، بدهی غفلت انسانی یا بدهی استفاده بیش از حد از منابع طبیعی - مانند آنست که از نسل‌های آینده وام گرفته باشیم. هدف توسعه توانمند باید محدود کردن تمامی اینگونه بدهی‌ها باشد.

گزارش حاضر، در نخستین سال تهیه شاخص توسعه انسانی، گساستی‌ها را می‌پذیرد. در بسیاری زمینه‌ها داده‌ها کافی نبوده‌اند. برای مثال: در زمینه توزیع درآمدهای

توسعه انسانی متوسط (سال ۱۹۸۷)

نام کشور	شاخص توسعه انسانی	تولید ناخالص سرانه
مصر	۰/۵۰۱	۴۹
لائوس	۰/۵۰۶	۹
گابن	۰/۵۲۵	۹۳
عمان	۰/۵۳۵	۱۰۴
بولیوی	۰/۵۴۸	۴۴
میانمار	۰/۵۶۱	۱۱
هندوراس	۰/۵۶۳	۵۳
زیمبابوه	۰/۵۶۶	۴۵
لسوتو	۰/۵۸۰	۳۵
اندونزی	۰/۵۹۱	۴۱
گوآتمالا	۰/۵۹۲	۶۳
ویتنام	۰/۶۰۸	۱۶
الجزایر	۰/۶۰۹	۹۱
بوتسوانا	۰/۶۴۶	۶۹
السالوادور	۰/۶۵۱	۵۶
تونس	۰/۶۵۷	۷۰
ایران	۰/۶۶۰	۹۷
سوریه	۰/۶۹۱	۷۹
دومینیکن	۰/۶۹۹	۵۱
عربستان	۰/۷۰۲	۱۰۷
فیلیپین	۰/۷۱۴	۴۶
چین	۰/۷۱۶	۲۲
لیبی	۰/۷۱۹	۱۰۳
لبنان	۰/۷۲۵	۷۸
مغولستان	۰/۷۳۷	۵۷
نیکاراگوئه	۰/۷۴۳	۵۴
ترکیه	۰/۷۵۱	۷۱
اردن	۰/۷۵۲	۷۶
پرو	۰/۷۵۳	۷۴
اکوادور	۰/۷۵۸	۶۸
عراق	۰/۷۵۹	۹۶
امارات	۰/۷۸۲	۱۲۷
تایلند	۰/۷۸۳	۵۵
پاراگوئه	۰/۷۸۴	۶۵
برزیل	۰/۷۸۴	۸۵
موریتس	۰/۷۸۸	۷۵
کره شمالی	۰/۷۸۹	۶۷
سری لانکا	۰/۷۸۹	۳۸
آلبانی	۰/۷۹۰	۶۱

تمامی کشورهای که مطالعه شده‌اند. برای سنجش آزادی‌های فردی نیز هیچ راه حل پذیرفته شده‌ای وجود ندارد. اما بهر روی، این اولین گزارش، مقوله آزادی را نیز کنکاش کرده است و از ۱۵ کشور رو به توسعه که در محیطی دموکراتیک از نظر سیاسی و اجتماعی به سطح بالایی از توسعه انسانی دست یافته‌اند نام برده است. این کشورها عبارتند از: کاستاریکا، اوروگوئه، ترینیداد و توباگو، مکزیک، ونزوئلا،

جامائیکا، کلمبیا، مالزی، سری لانکا، تایلند، ترکیه، تونس، موریتانی، بوتسوانا و زیمبابوه.

گزارش اعلام می‌کند: «هرگونه تلاش همه جانبه بین‌المللی در جهت پیشرفت توسعه انسانی می‌باید معطوف آفریقا بوده و به این قاره اولویت داده شود. گزارش تاکید دارد: حتی اگر جامعه بین‌الملل سهم قابل توجهی از منابع خود را صرفاً به آفریقا اختصاص دهد و صبورانه به بازسازی اقتصادی و اجتماعی آفریقا یاری رساند، نیرومند ساختن عامل بالقوه انسانی و تقویت نهادهای ملی و سرعت بخشیدن به رشد این قاره حداقل ۲۵ سال طول خواهد کشید.»

از جهت زندگی کردن، آفریقا سخت‌ترین منطقه دنیا بشمار می‌آید: پایین‌ترین سطح امید به زندگی، بالاترین نرخ مرگ و میر کودکان و پایین‌ترین میزان بسی‌سواد، شاخص این قاره است. شمار زنان با سواد نیز تنها ۶۱ درصد مردان باسواد است. در خلال دهه هشتاد میانگین درآمد سرانه ۲۵ درصد کاهش یافته است. فقیر بودن در آفریقا بمعنای دسترسی ناچیز به منابع و داشتن قدرت اندک برای تغییر اوضاع است. اما زنی فقیر بودن در آفریقا به معنای هیچ نداشتن است.

گزارش، تغییر و اصلاح قوانین را در جهت تساوی زنان و مردان بویژه در زمینه‌های تحصیل درآمد و فرصت‌های اشتغال و دسترسی به اعتبارات و تکنولوژی لازم می‌داند. افزون بر آن، برای زنان تحصیلات بالاتر و مراقبت‌های بهداشتی و درمانی بیشتر را به خصوص برای مادران توصیه می‌کند. منبع مالی باید در جهت تامین بیشتر فرودستان جوامع جهت‌گیری کند، از جمله می‌توان از افزایش و توسعه برنامه‌های درمان ارزان یا مجانی در بیمارستان‌ها و تغذیه رایگان مدارس نام برد. تصمیم‌گیری در مورد افزایش و جاری ساختن منابع به مناطق روستایی باید از سوی مقامات محلی باشد و نه حکومت مرکزی. گزارش می‌گوید: «نامتمرکز کردن تصمیم‌گیری یکی از مهمترین راه‌های کاهش شکاف میان درآمد شهری و درآمد روستایی است.»

علاوه بر کشورهای رو به توسعه که بیشترین تمرکز گزارش بر روی آن‌هاست، به کشورهای غنی و پیشرفته صنعتی نیز توجه شده است. در روند توسعه این کشورها گاه موارد گمراه‌کننده‌ای مشاهده می‌شود. در ایالات متحده آمریکا شمار بی‌خانمان‌ها در پنج سال گذشته به شدت رو به فزونی نهاده است. در انگلستان نیز شکاف درآمدها در خلال دهه هشتاد وسیع‌تر شده و فقر زرفای بیشتری یافته است.

گزارش، مقوله آزادی را نیز که قبایل اندازه‌گیری نیست «اساسی‌ترین عامل راهبرد توسعه انسانی می‌خواند». مردم باید آزاد باشند تا در تعیین اولویت‌ها و سیاست‌های توسعه و همچنین اجرای پروژه‌ها مشارکت فعال داشته باشند.

توسعه انسانی پایین (سال ۱۹۸۷)

نام کشور	شاخص توسعه انسانی	تولید ناخالص سرانه
نیجر	۰/۱۱۶	۲۰
مالی	۰/۱۴۳	۱۵
بورکینافاسو	۰/۱۵۰	۱۳
سیرالئون	۰/۱۵۰	۲۷
چاد	۰/۱۵۷	۴
گینه	۰/۱۶۲	۳۱
سومالی	۰/۲۰۰	۲۳
موریتانی	۰/۲۰۸	۴۰
افغانستان	۰/۲۱۲	۱۷
بنین	۰/۲۲۴	۲۸
بوراندی	۰/۲۳۵	۱۸
بوتان	۰/۲۳۶	۳
موزامبیک	۰/۲۳۹	۱۰
مالاوی	۰/۲۵۰	۷
سودان	۰/۲۵۵	۳۲
جمهوری آفریقای مرکزی	۰/۲۵۸	۲۹
نیپال	۰/۲۷۳	۸
سنگال	۰/۲۷۴	۴۳
اتیوپی	۰/۲۸۲	۱
زئیر	۰/۲۹۴	۵
رواندا	۰/۳۰۴	۲۶
آنگولا	۰/۳۰۴	۵۸
بنگلادش	۰/۳۱۸	۶
نیجریه	۰/۳۲۲	۳۶
جمهوری عربی یمن	۰/۳۲۸	۴۷
لیبریا	۰/۳۳۳	۴۲
توگو	۰/۳۳۷	۲۴
اوگاندا	۰/۳۵۴	۲۱
اوگاندا	۰/۳۵۴	۲۱
هائیتی	۰/۳۵۶	۳۴
غنا	۰/۳۶۰	۳۷
جمهوری خلق یمن	۰/۳۶۹	۳۹
ساحل عاج	۰/۳۹۳	۵۲
کنگو	۰/۳۹۵	۵۹
نامیبیا	۰/۴۰۴	۶۰
تانزانیا	۰/۴۱۳	۱۲
پاکستان	۰/۴۲۳	۳۳
هند	۰/۴۳۹	۲۵
ماداگاسکار	۰/۴۴۰	۱۴
گینه جدید	۰/۴۷۱	۵۰
کامبوج	۰/۴۷۱	۲